

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصَوْنَهَا﴾

(اگر بخواهید نعمت‌های الله را بشمارید، نمی‌توانید آن را بشمارید)

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی برای بندگان نعمت‌های فراوانی ارزانی داشته است؛ در حدی که شمارش آن و شناخت حد و مرز آن در دایره توان هیچ کس نیست. الله سبحانه و تعالی در سوره (النحل) می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصَوْنَهَا إِنَّ اللّٰهَ لَعَفُورٌ رَّحِیْمٌ﴾

ترجمه: اگر بخواهید نعمت‌های الله سبحانه و تعالی را بشمارید، نمی‌توانید آن را بشمارید، بی‌گمان الله سبحانه و تعالی دارای مغفرت و مرحمت فراوان است.

در سوره ابراهیم می‌فرماید:

﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصَوْنَهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾

ترجمه: و به شما داده است هر آنچه که خواسته باشید و اگر بخواهید نعمت‌های الله سبحانه و تعالی را بشمارید، نمی‌توانید آن را بشمارید. واقعاً انسان ستمگر ناسپاس است.

نکته قابل توجه این است که با وجود تعداد زیاد نعمت‌ها و ناتوانی در شمارش آن، الله سبحانه و تعالی در صحبت از این نعمت‌ها، کلمه نعمت را مفرد ذکر نموده است. این دلیلی است برای ما تا در خصوص عظمت و بزرگی الله سبحانه و تعالی و در خصوص عظمت فضل و اعجازی که کتاب‌اش در بیان معانی و رساندن افکار دارد، تفکر نموده، اندکی عمیق شویم. یادم از تفسیر شیخ الشعراوی از آیه فوق از سوره ابراهیم آمد، که در خصوص مفرد به کار رفتن کلمه نعمت در آیه چنین می‌گوید: "حق سبحانه و تعالی در این آیه شکی را مطرح کرده، به جای به کارگیری کلمه (اذا) کلمه (إن) را به کار می‌برد؛ نمی‌فرماید: "اذا تعدون نعمة الله"؛ زیرا شمارش نعمت الله سبحانه و تعالی چیزی می‌باشد که هرگز اتفاق نی‌افتاده و نخواهد افتاد. بنابراین، چنین اقدامی در صورتی امکان دارد که شخص گمان کند که می‌تواند نعمت‌های الله سبحانه و تعالی را شمارش نماید؛ همان‌گونه که پول شمارش می‌شود و ناظم، طلاب مدرسه را شمارش می‌نماید. لیکن هیچ کس نمی‌تواند سنگ‌ریزه‌ها را شمار کند. بلی، این که شما ادعای توانایی شمارش نعمت‌های الله سبحانه و تعالی را می‌نمایید، واقعاً شکی بیش نیست. شگفت‌آورتر این است که شمارش یک چیز نیاز به جمع‌آوری دارد و همان‌طوری که یک چیز در صورت زیاد بودن جمع‌آوری می‌شود؛ اما الله سبحانه و تعالی در این جا که به جای کلمه جمع (نعم) کلمه مفرد (نعمه) را ذکر می‌نماید، این را می‌رساند که در یک نعمت از نعمت‌های الله سبحانه و تعالی نعمت‌های گوناگون و فراوانی نهفته است و ما توان این را نداریم که نعمت‌های موجود در یک نعمت را بشماریم.

الله سبحانه و تعالی چه قدر نسبت به بندگانش بزرگواری، سخاوت‌مندی و مهربانی دارد! اندک نگاهی در خودمان و در ساختار شگفت‌انگیزی که الله سبحانه و تعالی ما را بر آن آفریده است، ما را در شناخت بزرگواری، سخاوت‌مندی و مهربانی الله سبحانه و تعالی متوجه می‌سازد؛ چنان‌چه می‌فرماید:

### ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾

**ترجمه:** ما انسان را در بهترین شکل و بهترین سیما آفریده‌ایم.

کم‌ترین تفکر و تدبر در نعمت‌های که الله سبحانه و تعالی برای ما ارزانی داشته است؛ از جمله: شنوایی، بینش و حواس؛ هم‌چنان نظام ظریف و وظایف بزرگی که دستگاه‌ها و اعضای بدن‌مان در یک ثانیه و کم‌تر از آن انجام می‌دهند؛ مانند: کلیه‌ها، کبد و روند انتقال خون از قلب به قسمت‌های دیگر بدن، ما را وامی‌دارد که هر لحظه تسبیح و ستایش بزرگی الله و عظمت آفرینش و عطاء او سبحانه و تعالی را نماییم. هم‌چنین خواهد بود اگر درباره آن‌چه در اطراف ما از مخلوقات و چهارپایان و بزرگی آفرینش آن، قرار دارد، فکر کنیم و این‌که چگونه این مخلوقات برای خدمت و فایده رساندن به انسان در این عالم هستی و نظام دقیق آن، مسخر شده‌اند. الله سبحانه و تعالی در سوره النحل، چنین می‌فرماید:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (5) وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (6) وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ (7) وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ وبقول ایضا: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (11) وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّلَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (12) وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (13) وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (14) وَاللَّيَّ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْ رَأَوْا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (15) وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (16) أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (17) وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.

**ترجمه:** و چهارپایان را آفرید؛ درحالی‌که در آن، برای شما وسیله پوشش و منافع دیگری است و از گوشت آن می‌خورید! در آن برای شما زینت و شکوه است به هنگامی‌که آن را به استراحت‌گاه‌شان باز می‌گردانید و هنگامی‌که (صبح‌گاهان) به صحرا می‌فرستید! آن بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی‌رسیدید. پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده!) هم‌چنین اسب‌ها، اشته‌ها و الاغ‌ها را آفرید، تا بر آن سوار شوید و زینت شما باشد و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید. بر الله (سبحانه و تعالی) است که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ اما بعضی از راه‌ها بی‌راهه است! اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند؛ (ولی اجبار سودی ندارد.) او کسی است که از آسمان آبی فرستاد که نوشیدن شما از آن است؛ (هم‌چنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است. الله با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه میوه‌ها می‌رویانند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیش‌مندان است. او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او

مسخر شمايند. در اين، نشانه‌هايي است (از عظمت الله سبحانه و تعالي) براي گروهی که عقل خود را به کار می‌گيرند، می‌باشد! (علاوه بر اين) مخلوقاتي را که در زمين به رنگ‌هاي گوناگون آفريده نيز مسخر (فرمان شما) ساخت. در اين، نشانه روشني است براي گروهی که متذکر می‌شوند! او کسی است که دريا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخوريد و زيوري براي پوشيدن (مانند مرواريد) از آن استخراج کنيد و کشتي‌ها را می‌بينی که سينه دريا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازيد و) از فضل الله بهره گيريد؛ شايد شکر نعمت‌هاي او را به جا آوريد! در زمين، کوه‌هاي ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگيرد و نهرها و راه‌هايي ايجاد کرد، تا هدايت شويد. و (نيز) علاماتي قرار داد و (شب هنگام) به وسيله ستارگان هدايت می‌شوند. آيا کسی که (اين گونه مخلوقات را) می‌آفريند؛ هم‌چون کسی است که نمی‌آفريند؟! آيا متذکر نمی‌شويد؟! و اگر نعمت‌هاي الله را بشماريد، هرگز نمی‌توانيد آن را شمارش کنيد؛ الله بخشنده و مهربان است!

سزاوار براي انسان اين است که هيچ گاه نعمت‌هاي را که الله سبحانه و تعالي بر وی ارزاني داشته است از ياد نبرد و اين که همواره الله سبحانه و تعالي را بر نعمت‌هايش تسبيح و ستايش نمايد؛ زيرا از بزرگی فضل الله سبحانه و تعالي بر ما اين است که هرچند ما بر نعمت‌هايش شکر و ستايش‌اش کنيم بر همان ميزان فضل‌اش را بر ما می‌افزايد؛ چنان‌چه می‌فرمايد:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾

ترجمه: و آن زمان که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر نعمت‌هاي الله را سپاس‌گزاري کرديد؛ هرآيينه براي‌تان افزايش می‌دهم و اگر کافر و ناسپاس شديد؛ بی‌گمان عذاب من بسيار سخت است.

پناه بر الله از اين که از زمره کسانی باشيم که الله سبحانه و تعالي را بر نعمت‌هايش کفران کرده و بر خويشتن ظلم روا داريم؛ زيرا الله سبحانه و تعالي چنين می‌فرمايد:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾

ترجمه: واقعاً انسان ستمگر ناسپاس است.

پناه بر الله از اين که از زمره کسانی باشيم که الله سبحانه و تعالي آن‌ها را به عذاب وعيد داده است. از زمره کسانی که فريب نفس خويش را خورده و فضل الله سبحانه و تعالي را به خود نسبت می‌دهند، به سان صاحبان دوباغی که الله سبحانه و تعالي در سوره کهف از آن خبر داده؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالي آنان را براي اين که کفران نعمت نموده و فضل الله سبحانه و تعالي را بر خود نسبت داده‌اند، مجازات نمود؛ صاعقه‌ای را فرستاد، باغ را ويران و ميوه‌هايش را از بين برد؛ چنان‌چه می‌فرمايد:

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (37) لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (38) وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِذْ تَرَى أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (39) فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا (40) أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (41) وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأُصْبِحَ يُقَلَّبُ عَلَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا﴾

**ترجمه:** دوست (با ایمان) وی -درحالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: «آیا به الله که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم! چرا هنگامی که وارد باغ شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوت (و نیرویی) جز از ناحیه الله نیست! اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست)! شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد و مجازات حساب شده‌ای از آسمان بر باغ تو فروفرستد، بگونه‌ای که آن را به زمین بی‌گیاه لغزنده‌ای مبدل کند! و یا آب آن در اعماق زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری!» (به هر حال عذاب الهی فرا رسید) و تمام میوه‌های آن نابود شد و او به خاطر هزینه‌هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دست‌های خود را به هم می‌مالید - درحالی که تمام باغ بر داربست‌هایش فرو ریخته بود- و می‌گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم!

بلکه برخی با وجود این همه نعمت و لطفی که الله سبحانه و تعالی بر آن‌ها نموده است؛ همچنان به کفر، گمراهی و استبداد خویش ادامه داده، آشکارا الله سبحانه و تعالی را نافرمانی و بر وی کفر می‌ورزند، در روی زمین به طغیان و ستمگری پرداخته، بر بندگان الله ظلم، مؤمنین و موحدین را در تنگنا قرار داده و احکام الله را تعطیل می‌کنند؛ امثال این‌ها در گذشته و هم در حال حاضر بسیار است. قرآن کریم قصه قارون را که الله سبحانه و تعالی برایش ثروت فراوانی داده بود و مردان روی زمین توان حمل کلیدهای خزانه‌هایش را نداشتند، برای ما تعریف نموده است. قارون نیز گمان می‌کرد که این همه ثروت تنها حاصل توانائی و تصرفات او می‌باشد؛ چنان چه الله می‌فرماید:

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿۷۶﴾ (القصص: 76)

**ترجمه:** قارون از قوم موسی بود؛ اما بر آنان ستم کرد. ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آوردید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد!

قارون از پول خود برای ظلم و ستم بر مردم استفاده کرد؛ باوجود این که کسانی از قوم‌اش سعی کردند او را از مسیری که در پیش گرفته بود منصرف کنند؛ اما از آن‌جای که نسبت به مال و نفس خویش مغرور بود، برای آن‌ها جواب رد داد و نتوانست توصیه‌های آن‌ها را بشنود؛ همان‌گونه که الله می‌فرماید:

﴿قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾ (القصص: 78)

**ترجمه:** (قارون) گفت: این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام.

قارون فراموش کرد که این ثروت را الله سبحانه و تعالی به او داده است و این که او سبحانه و تعالی قدرت این را دارد که ثروت‌اش را از وی پس گرفته و برایش انواع عذاب‌ها بچشانند. چنین بود تا این که الله سبحانه و تعالی او و عمارت‌اش را به زمین فروبرد و مالش نتوانست او را نجات دهد.

﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* فَخَسَفْنَا بِهٖ وَبِءَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ﴾

**ترجمه:** (روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: «ای کاش همانند آن‌چه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره‌عظیمی دارد!» سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند و خود نیز نمی‌توانست خویشان را یاری دهد.

ما به مستبدین و ستمگران، چه فرد باشند و چه حاکم در سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌های دیگر، آنانی را که فریب دارائی‌های در اختیار داشته‌شان را خورده‌اند، هشدار می‌دهیم -دارائی‌های که بیش‌تر آن را از مردم تحت حاکمیت و استعمار خود غارت کرده‌اند- و هم‌چنان مؤمنانی را که در این خصوص کدام تقصیری دارند، تشویق می‌نماییم که تا فرصت‌های از دست رفته را دریافته و به سوی الله سبحانه و تعالی بشتابند. طبری در تفسیر آیه مذکور در عنوان چنین می‌فرماید: الله سبحانه و تعالی نسبت به تقصیراتی که در زمینه شکر برخی از نعمت‌هایش مرتکب می‌شوید، آمرزنده است. اگر توبه کرده، به سوی الله باز گشتید و خواستار رضایت او شدید و اگر هم نسبت به تقصیرات‌تان شما را عذاب نمود بدانید که پس از توبه کردن و بازگشتن به سوی او شما را مورد رحمت خویش قرار خواهد داد.

اما چیزی که شگفت‌آور است این است که ما با این نعمت‌ها و ماندگاری‌شان در ما، عادت کرده‌ایم؛ حتی اگر از اوضاع ما سؤال شود، خواهیم گفت چیز جدیدی نیست، به گونه‌ای ارزش این نعمت‌ها را احساس نمی‌کنیم؛ مگر در صورتی که آن را از دست بدهیم. درحالی که ما هرچند عظمت این نعمت‌ها و ماندگاری عافیت را شعوری درک کنیم، به همان اندازه بیش‌تر به الله سبحانه و تعالی نزدیک می‌شویم؛ مخصوصاً در زمان شیوع بیماری همه‌گیر کرونا؛ زیرا ما در این زمان بیش‌تر از هر زمان دیگر نیازمند نزدیکی به الله هستیم؛ زیرا ما در این زمان بسیاری از نعمت‌هایی که در زندگی روزمره با آن سروکار داشتیم، از جمله: عبور و مرور، کار، تحصیل و دید و بازدیدهای خانوادگی محروم شده و حال ارزش آن را می‌دانیم و هم‌چنین نعمت و پاداش نماز جماعت، جمعه و حضور در حلقه‌های آموزشی را. کسی که از محل بود و باش و سطح زندگی خود شکایت داشته و آرزوی زندگی سرشار از غناء و خواستار آسایش است، بدون شک که وی اهمیت نعمت خانه‌ای را که در آن سرش را پناه کرده و خانواده‌اش در آن خود را برای محافظت از ویروس کرونا قرنطینه کنند، درک نموده است؛ در حالی که بسیاری از برادران ما به دلیل جنگ‌های وحشیانه و جنایاتی که در معرض خطرات آن قرار دارند، خانه‌های خود را از دست داده‌اند. وضعیتی که مردم سوریه و مسلمانان روهینگیا دچار آن می‌باشند؛ طوری که این برادران مسلمان مان خانه‌ای ندارند که آنان را از سرمای زمستان، گرمای تابستان از خطر مبتلا شدن به ویروس کرونا محافظت کند. همان طوری که ما اکنون اهمیت نعمت فراوانی غذای خود و خانواده‌های خود را درک کردیم؛ درحالی که بسیاری غذای بخور و نمیر خود و خانواده‌های‌شان را نمی‌بایند. ما در زیر چتر این بیماری همه‌گیر، معنای این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را می‌فهمیم:

«نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ، وَالْفَرَاغُ»

**ترجمه:** دو نعمت است که مردم فریب آن را می‌خورند: سلامتی و فراغت.

هرچند که ما الله سبحانه و تعالی را در خصوص نعمت سلامتی‌اش، ستایش‌گر و سپاس‌گزار باشیم، حق این نعمت را برآورده نکرده‌ایم؛ نفسی که بسیاری از انسان به سبب این ویروس از آن محروم شده‌اند و به وسیلهٔ دستگاه‌های تنفسی مصنوعی، اگر بیابند، زندگی می‌کنند. چیزی که باید باعث شود تا ما حساب‌های خود را بررسی کرده و این سلامتی را قبل از بیمار شدن در طاعت از الله سبحانه و تعالی غنیمت بشماریم. اما نعمت فراغت که بسیاری فریب آن را خورده‌اند؛ چنان‌چه در این روزها افراد زیادی وجود دارند که به دلیل منع عبور و مرور و ممنوعیت خروج از خانه‌ها در روزگار شیوع بیماری همه‌گیر کرونا، از ناراحتی، دل‌خوردگی و نگرانی، شدیداً شکایت نموده و متأسف می‌باشند. برخی بودند که از عدم وجود اوقات فراغت به دلیل فشار کار و مشغله‌های زیاد شکایت می‌نمودند؛ اما این روزها فرصتی است برای هر یک از ما تا ببینیم که اوقات خویش را در گذشته چه‌گونه سپری می‌نمودیم، آیا دنیا و زرق و برق آن وقت‌مان را بر حساب آخرت‌مان گرفته است یا خیر؟ این روزها بهترین فرصتی است برای این که هر یک از ما خود را محاسبه نموده و آن‌چه را از دست داده‌ایم، جبران نماییم. در این فرصت باید تلاش نماییم تا اوقات فراغت خویش را با اطاعت از الله سبحانه و تعالی و تقرب به آن پر کنیم. از طریق انجام عبادات و اعمال صالح فردی، از طریق تلاش برای بیداری امت و احیای حاکمیت الله سبحانه بر روی زمین، تا این که الله سبحانه و تعالی مصیبت‌اش را برای ما تبدیل به لطف بیش‌تر خویش نماید؛ مخصوصاً در این ماه مبارک رمضان، ماه سرازیر شدن فیوضات ایمانی و فرصت‌های طلایی که الله سبحانه و تعالی در این ماه برای ما فراهم کرده است؛ درحالی که بسیاری از این نعمت محروم شده‌اند، کسانی که به دلیل این ویروس و یا هر دلیل دیگری جان‌های‌شان را از دست داده‌اند. این ماه از بزرگ‌ترین نعمت‌های است که الله سبحانه و تعالی برای بندگانش ارزانی داشته، برای‌شان فرصتی برای طاعت، افزایش حسنات، از بین بردن سیئات و فضل آزادی از آتش را فراهم نموده است. الله سبحانه و تعالی برای بندگانش این فرصت را فراهم کرده تا شب بزرگ قدر را دریابند، شبی که آن را رب العزت به شب بهتر از هزار ماه توصیف نموده است.

بزرگترین نعمتی که باید این روزها ما آن را بیش‌تر احساس کنیم، نعمت اسلام عزیز است. دینی که ما را از ظلمت به نور سوق داده است، از پرستش بندگان به پرستش پروردگار بندگان. اسلامی که احکام و قوانینی را برای کلیه امور زندگی‌مان وضع کرده است، از نظافت بدن‌ها و مکان گرفته، چیزی که عده‌ای از مردم از این بیماری همه‌گیر آموختند، تا ساختار نظام حکومتی و سرپرستی امور مردم. چیزی را که همه‌ای بشریت نه تنها مسلمانان زیر چتر نظام سرمایه‌داری، آن را از دست داده‌اند؛ مخصوصاً در روزهای شیوع این بیماری همه‌گیر کرونا و نحوه‌ای تعامل دولت‌های سرمایه‌داری و مزدوران‌شان از حکام سرزمین‌های اسلامی با این بیماری. درحالی که ما اگر در مورد نعمت‌های دنیا صحبت می‌کنیم، از آن‌چه الله سبحانه و تعالی برای مؤمنان مطیع خود در روز رستاخیز آماده کرده است، فراموش نکرده و غافل نیستیم. بلی، برای انسان در دنیا نعمت‌های است که امکان شمارش آن وجود ندارد؛ اما برای مؤمنین در جنت نعمت‌های است که در خصوص آن چنین گفته شده است:

﴿ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ ﴾

*ترجمه: آن نعمت‌ها را هیچ چشمی نیست که دیده باشد، هیچ گوش‌ی نیست که توصیف‌اش را شنیده باشد و در قلب بشر چنین نعمت‌های خطور نکرده است.*

بارالها! خواهان رضایت تو، بهشت و نعمت‌هایش هستیم. بارالها! ثناء و ستایش تو را بر بردباری همراه با علم تو، بر بخشش‌گری همراه با قدرت و توانائی تو می‌گوییم. بارالها! ثناء و ستایش تو را بر همه‌چیز، تمام آن‌چه خیر است در دستان تو می‌باشد،

سرانجام همه چیز، آشکار و پنهان، به تو برمی گردد، به جا می آوریم. بارالها! تو را بر آن چه ثناء و ستایش می کنیم که تو خود را بر آن ستایش نمودی، بر آن چه که می دانیم و آن چه را که نمی دانیم. پروردگارا! ثناء و ستایش تو را همان گونه که سزاوار عظمت شأن و اقتدار تو می باشد، ادا می کنیم. ای پروردگار سبحان! نمی شود ثناء و ستایشات را شمرد، تو همان گونه می باشی که خویش را ستایش فرموده ای.

**نویسنده: براءة مناصره - سرزمین مبارک فلسطین**

**2 رمضان المبارک 1441 هـ.ق.**

**25 اپریل 2020 م.**

**مترجم: علی مطمئن**